

ارداشمنند محترم
جناب آقای بهشتی

بازنگاری و قوانین مالی اسلام

گباخانه فیضیه قم

در چند محفل دینی شرکت داشتم که مسأله «ربا» و حرمت آن در اسلام مطرح بود و در این باره از جهات مختلف بحث می شد .
«ربا» از موضوعات بسیار مهم اقتصادی و دینی است که باید در باره آن تحقیقات وسیعی صورت گیرد .
در باب «ربا در اسلام» مسائل زیادی مطرح است که باید بررسی شود و در اینجا اجمالاً بآنها اشاره می شود :

- ۱- ربا چیست ؟ در عرف امروز دنیا صرف نظر از اسلام مثلاً عرف ملت‌های غیر اسلامی . آیا همهٔ مواردی را که شرع ربا دانسته ربا می‌شناسد ؟ مثلاً اگر نرخ متعارف گندم کیلوئی ۶ ریال و نرخ متعارف جو کیلوئی ۳ ریال است و شخصی ۲۰ کیلو گندم خود را ب دیگری به ۴۰ کیلو جو فروخت او را رباخوار می‌شمرند ؟
- ۲- ربا در شرایط آسمانی پیش از اسلام .
- ۳- ربا در قریش و قبائل دیگر مکه و مدینه و بلاد دیگر حجاز

غیر از یهود و نصاری .

۴- ربا در شرع اسلام .

۵- ربا در قرض ، در بیع ، در معاملات دیگر .

۶- مکیل (آنچه برای معامله پیمانہ می کنند) موزون (آنچه

برای معامله می کشند) نقدین (طلا و نقره مسکوک) .

۷- غیر این سه قسم از قبیل معدود (آنچه برای معامله می شمارند)

۸- آیا در قرض معدود هم ربا نیست ؟ (با طلاق روایات در باره

معدود توجه شود)

۹- آیا اسکناس حکم نقدین را دارد یا حکم کالاهای دیگر را ؟

۱۰- اوراق بهادار دیگر چگونه ؟

۱۱- آیا در معامله اسکناس مطلقاً ربا فرض نمیشود ؟

۱۲- حیلہ و راه فرار از ربا یعنی چه ؟

۱۳- امور اعتباری و امور فرضی و فرق میان آنها .

۱۴- بانکداری و قوانین مالی اسلام .

اینها مسائل اساسی این بحث است و برخی از آنها در چند محفل

دینی که اشاره کردم مورد بحث قرار گرفت ، از جمله مسأله اخیر در

یکی دو جلسه بررسی شد و نتیجه این بررسی در این نوشته برای اطلاع

و بررسی صاحب نظران منتشر می گردد که با تجزیه و تحلیل و بحث

و انتقاد آنان تکمیل شود .

بررسی کامل بحث ربا از همه جهاتی که شمرده شد یکی از

واجبات علمی و تحقیقی اسلامی است و امید است همتی شود و با توجه

با آنچه در آیات و روایات وارد شده ، آنچه فقهای شعبه و سنی گفته و نوشته

اند ، بررسيهای علمي که جامعه شناسان و حقوق دانان کرده اند و مقایسه آنها باروایاتی که در علت تحریم ربا آمده تحقیقی کامل و جامع در این زمینه صورت گیرد و در پرتو آن همه یا بسیاری از موارد باهم در باره ربا ، روشن گردد.

بانک

فعالیت‌های بانکی را بطور کلی می‌توان دو دسته کرد ، یکدسته آنها که معمولاً توأم با بهره نیست و دسته دیگر آنها که معمولاً توأم با بهره است .

دسته اول از قبیل حواله ، برات ، حساب جاری و چک ، حساب پس‌انداز بدون بهره مبادلات ارزی و پولی دیگر .

دسته دوم از قبیل دادن اعتبار یا وام تجارتي ، صنعتی ؛ کشاورزی ، صنعتی ؛ خانه سازی ؛ کارگشائی و نظائر اینها .

فعالیت‌های دسته اول در تسهیل زندگی ، تجارت و دادوستد بسیار مؤثر است بی آنکه خود بخود ضرری برای فرد یا جامعه داشته باشد. پدري درخوی یا آبادان میخواهد هم‌ماه مخارج تحصیل فرزند خود را که در يك مرکز علمي از قبیل حوزه قم؛ یا دانشگاه تهران درس میخواهد بفرستد .

بازرگانی در قوچان یا زاهدان میخواهد پول کالائی را که در اصفهان نسبه خریده برای صاحبش بفرستد .

اینها باید خودشان از جای خویش حرکت کرده، زحمت و مخارج گزافی تحمل و دقت زیادی صرف کنند تا پول را بمقصد برسانند و برگردند ؛ یا تخصص کنند و مسافری بآن مقصد بیاوند و اگر او امین و مورد

اعتماد بود بوسیله او بفرستند یا با تفحص زیاد بازرگانی در محل فرد بیابند که در مقصد طرف معامله ای داشته باشد و بوسیله او حواله کنند تازه در هر يك از دو صورت اخیر چه بسا نگرانیهائی پیش آید و ناراحتی ایجاد کند .

چه بهتر که مؤسسه ای وسیع و قابل اعتماد بوجود آید و باحد اقل هزینه و حد اکثر اطمینان و سهولت این کار را انجام دهد.

مردی از صبح تا شام سرگرم دادوستد است . شامگاه میخواهد با خیال راحت بمنزل برود و ساعات استراحت را با خاطری آسوده بازن و فرزند خود بگذراند . صد یا هزار تومان یا بیشتر از آن پول نقد در مغازه دارد ، همراه بپردمکن است جیبش را بزنند ، در مغازه بگذارد ممکن است دزد ببرد . نگهداری این نقدینه خاطرش را ناراحت کرده و نمیگذارد با خیال راحت بخوابد .

چه بهتر از این که مؤسسه ای هر روز پول او را بگیرد در محلی امن با تجهیزات کافی نگه دارد و هر وقت خواست در برابر چك در اختیار او یا کسی که بنام او چك صادر کرده بگذارد .

مرد ، زن یا کودک کی صرفه جو مآل اندیش از درآمد ناچیز روزانه خود مبلغی پس اندازی کند که روز مبادا بکارش آید و دوستش پیش این و آن دراز نباشد . نگهداری این مبلغ ، هر قدر هم ناچیز باشد ، برایش مشکل است زیرا از یک طرف هر آن هوسی در او زبانه می کشد و او را بخرج کردن پس انداز تشویق می کند و از طرف دیگر مطمئن نیست ، ممکن است دستی ناپاک باندوخته او برسد و آنچه را در چند سال ذخیره کرده در چند ثانیه بر باید . اگر اندوخته خود را برای نگهداری باین و آن دهد

چه بسا از میان برود یا در موقع احتیاج نتوانند فوراً در اختیار او بگذارند اگر مؤسسه‌ای قابل اعتماد نگهداری این اندوخته‌ها را بعهده گیرد و هر آن صاحبان آنها بخواهند در اختیارشان بگذارند برای آنها نعمتی بزرگ خواهد بود .

در خرید و فروش و دادوستدهای عمده، شمردن پول، بخصوص اگر مبلغ زیاد و اسکناسها خورد باشد کار مشکلی است، هم خیلی وقت می‌گیرد و هم با همه وقتی که بکار رود اشتباه پیش می‌آید اگر این گونه معاملات با مبادله چک در حساب جاری صورت گیرد هم وقت کمتر تلف میشود و هم اشتباهی که بر گرداندنش مشکل باشد پیش نمی‌آید.

اینها و نظائر اینها از مزایای پرارزش و انکارناپذیر مؤسسات بانکی است که صرف نظر کردن از آنها در زندگی، بخصوص زندگی پربیوندا مروز، عاقلانه نیست .

بانکها با تشکیلات وسیع و منظم و موقعیت اطمینان آوری که دارند برای تأمین این قسمت از احتیاجات زندگی بسیار مفیدند و همین احتیاجات کافی است که ضرورت وجود مؤسسات بانکی را ثابت کند.

ولی تحریم ربا؛ هر قدر هم دائره آن وسیع فرض شود، باین گونه کارهای بانکی کمترین لطمه وارد نمیکند؛ در جامعه اسلامی چه دولت و چه افراد، می‌توانند مؤسسات لازم برای انجام این گونه کارها بوجود آورند و در برابر کاری که انجام می‌دهند کارمزد کافی با درصد معین بگیرند بی آنکه بر با آلوده شوند .

هیچ مانع ندارد که بانکها بجای آنکه معاملات حسابهای جاری را مجاناً انجام دهند و در حسابهای پس‌انداز علاوه بر این بهره‌ای هم بدهند

و این بهره و مخارج دیگر دستگاه و سود کلان صاحبان بانک را از راه ربا خواری و گرفتن بهره از وام گیرندگان تأمین کنند برای معاملات حسابهای جاری و پس انداز نیز ، مانند حواله و برات ، کارمزدها کافی بگیرند و هزینه تشکیلات و سود صاحبان بانک را از این راه تأمین کنند.

البته با وجود بانکهای رباخوار کنونی که معاملات حسابهای جاریه را مجاناً انجام میدهند و بحساب پس انداز بهره هم میدهند نمی توان بانکی بر اساس این طرح بوجود آورد ولی اگر طبق قانون الهی ربا خواری همه جا حتی در بانکهای دولتی قدغن شود ، مؤسسات بانکی همه ناچار میشوند برای حسابهای جاری و پس انداز هم کارمزد بگیرند مردم هم برای آسان شدن کار و راحتی خیال خود کارمزد لازم را بارغبخت یا بناچار میپردازند و کاربانک بدون آلودگی بر بار و نوقمی یابد .

بنا بر این با تحریم کامل و وسیع ربا در اسلام جلوی فعالیتهای دسته اول بهیچ وجه گرفته نمیشود و جامعه مسلمین از اینگونه تسهیلات سودمند و رفاه آور زندگی محروم نمی گردد .

اما فعالیتهای دسته دوم

اینگونه فعالیتها بصورتی که امروز در اغلب نقاط دنیا انجام میشود هدفش صرفاً بهبود اقتصاد نیست هدف اصلی در اینگونه فعالیتهای بانکی اغلب ربا خواری ، ولی توأم با قدرت و نظم و تشکیلات ظاهری با شکوه و آبرو و منداست و اگر برای بهبود اقتصاد و ترقی علم و صنعت هم اثری داشته باشد فرعی است .

این بانکها ، چه خصوصی ، چه دولتی و چه بین المللی ، دائماً در تلاش اند تا مناسبترین زمینهها را برای بکار انداختن سرمایه خود در راه

ربا خواری بیابندیا بوجود آورند .

واگر در مواردی دیده شده اینهامی کوشند و ام یا اعتبار بانکی را در راه استوار کردن اقتصاد یک مؤسسه یا یک ملت یا مردم جهان بکار اندازند برای خود دلسوزی کرده اند نه برای آن مؤسسه یا ملت یا ملل جهان، اینها سرمایه داران زیر کی هستند که میخواهند زمینه سودیابی خود را برای همیشه حفظ کنند ، انگلهای مآل اندیشی هستند که چون بر پیگری نشستند آنقدر خون او را نمی مکند که از پا در آید ، رمقی برای او باقی می گذارند تا میان مرگ و زندگی باقی بماند و قوت آنها را تأمین کند .

قوانین مالی و تجارתי اسلام بدون شك این جنبه از فعالیتهای دسته دوم بانکی را تحریم کرده است .

با این تحریم دیگر سرمایه داران خصوصی حاضر نمیشوند سرمایه خود را در راه دادن اعتبار و وام بانکی بکار اندازند و وامهای بدون بهره بدهند آنوقت این سؤالها پیش می آید که :

۱- فعالیتهای بزرگ صنعتی، کشاورزی، حمل و نقل و بازرگانی سرمایه های بزرگ میخواهد قسمتی از این سرمایه ها معمولاً بوسیله وامهای بانکی تأمین میشود اگر وامهای با بهره تحریم شود بتوسعه این فعالیتها و در نتیجه به پیشرفت علم و صنعت و اقتصاد لطمه می خورد .

۲- بسیاری اتفاق می افتد کارگر ، پیشه ور ، کشاورز یا صنعتگری در مضیقهمی افتد و با وام مختصری گره از کارش گشوده میشود و وام اگر چه با بهره باشد ، برای او نعمت بزرگی است با تحریم بهره ، راه این گره گشاییها بسته و چوبه سا خانواده ای بیچاره میشود .

۳- وامهای خانه سازی و کار گشائی هر چند با بهره توأم باشد وسیله، ای برای رفاه طبقات محروم است و نباید با تحریم بهره این وسیله راهم از طبقات محروم گرفته و آنانرا دربند بیچارگی باقی گذارد .

حل مشکل

سرمایه بزرگ یا سرمایه دار بزرگ ؟

در سؤال اول این دو بجای هم عوضی گرفته شده

برای انجام کارهای وسیع و پردامنه صنعتی و کشاورزی و ترقیات علمی و فنی در این دوزمین بدون شك سرمایه های بزرگ لازم است ولی سرمایه های بزرگ لازم نیست همیشه متعلق به شخص یا اشخاص معین و محدود باشد و راه ایجاد سرمایه های بزرگ منحصر در همین راه و شیوه معمول کشورهای سرمایه داری و گرفتن وامهای با بهره، کم بهره یا پر بهره، از بانکها نیست .

برای ایجاد سرمایه های بزرگ راههای گوناگون دیگری هست که مدتهاست مورد توجه کارشناسان اقتصاد دنیا قرار گرفته است .

باتشکیل شرکت های بزرگ سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف تعاونی تولید و مصرف و میتوان سرمایه های بزرگ متعلق به سرمایه دارهای کوچک بوجود آورد و در راه ترقی و توسعه فعالیت های اقتصادی بکار انداخت بی آنکه پای سرمایه داران و ربا خواران بمیان آید .

در اینگونه شرکتها اگر سودی بدست آید میان افراد بیشتری تقسیم میشود و به تمرکز ثروت در دست عده ای محدود نمی انجامد و این

فرد کمکی بعدالت اجتماعی و تعدیل اقتصادی و راهی برای جلو گیری از بوجود آمدن سرمایه داران بزرگ مترف و عیاش و اسراف کار و تجمل پرست در جامعه و پیدایش فاصله‌های زیاد اقتصادی میان افراد يك امت است .

بنابراین تحریم ربا جلوی پیدایش سرمایه بزرگ را نمی گیرد جلوی پیدایش سرمایه دار بزرگ را می گیرد ، آنهم چه بهتر، این همان است که اسلام خواسته و عموم صاحب نظران مترقی اجتماعی قرون اخیر خواسته اند، همان که اگر اجراء شده بود به تند رویها و افراطهای رژیم های نو خاسته منجر نمی گشت .

از این گذشته دولت‌های سالم و صالح می توانند خیلی بهتر از سرمایه داران خصوصی در راه صنایع بزرگ یا طرفهای آبیاری و کشاورزی وسیع سرمایه گذاری کنند و چون دولت صالح نماینده و کارگر از ملیت است این سرمایه گذاریها خواه ناخواه در راه مصالح و منافع ملت‌ها خواهد افتاد .

ملی کردن صنایع بزرگ در کشورهای سرمایه داری ، اقدام به سد سازی و راه سازی و ایجاد خط آهن و خطوط کشتی رانی از جانب دولت‌ها ترقیات شگفت انگیز علمی و فنی و اقتصادی کشورهای سوسیالیستی نشان میدهد که راه سرمایه گذاریهای بزرگ منحصر در کار سرمایه داران بزرگ رباخوار نیست .

بر فرض که بگوئیم دولت‌ها بازرگان و کارفرمای خوبی نیستند و اداره امور اقتصادی و حتی فرهنگی و بهداشتی و عمرانی بهتر است بدست افراد و در معرض رقابت‌های آزاد باشد و دولت‌ها باید از مباشرت

مستقیم اینگونه فعالیتها خودداری کنند و راه را برای بکارافتادن استعداد های سرشار افراد کاملاً باز بگذارند . و آنها وظیفه دارند فعالیتهای خصوصی را در راههای صحیح و برون فوق منافع و مصالح توده های وسیع ملت ارشاد و هدایت کنند . در این صورت وظیفه دولتها است که از بودجه عمومی بانکهای مخصوص دادن این نوع کمکهای اقتصادی تأسیس کنند تا وامهای بزرگ یا کوچک بدون بهره با افراد یا مؤسسات خصوصی بدهد و باین وسیله نبض اقتصاد مملکت را بهتر در دست گیرد. این وضع خود بخود به تسلط حکومت بر اقتصاد مملکت کمک شایان می کند و فرصتی بسیار حساس و مناسب برای دولت بوجود می آورد تا در دادن وام مصالح امت بر منافع خصوصی گیرندگان وام مقدم دارند و سرمایه ملت بدست افراد در راه مصالح خود ملت بکار افتد نه در راه ثروت اندوزی شخصی و کنز طلبی و گنجینه سازی ، دولت‌هایی توانند از منافعی که از این وامها بدست گیرندگان وام میرسد مالیاتهای سنگین بمتفع ملت بگیرند و در راه رفاه او صرف کنند و این بازاری برای پیش گیری از بوجود آمدن مترفین عیاش و تجمل پرست و هرزه خو و شکافهای عمیق طبقاتی در داخل یک امت است. در مورد سؤال‌های دوم و سوم نیز دورا راه است:

۱- مؤسسات شخص یا گروهی قرض الحسنه .

با ثواب فراوانی که خداوند برای قرض الحسنه مقرر فرموده و آن را از صدقه و کمکهای بی عوض نیز برتر شمرده اگر طرح صحیحی برای این کار تهیه و تبلیغاتی در این زمینه صورت گیرد راه برای پیدایش این گونه مؤسسات باز خواهد شد .

مؤسسات قرض الحسنه برای تأمین هزینه های جاری کارمزدی مناسب

بادرصد معین می گیرند ولی برای اصل وام بهره ای نیست بیلان مؤسسه قرض الحسنه در آخر سال سودی نشان نمیدهد.

در مورد قرض الحسنه نکته جالبی هست که شاید تا کنون بآن توجه نشده باشد.

طبق قوانین زکوة، به پول طلا و نقره که بحد نصاب برسد و بیش از یازده ماه را کد باشد، زکوة یعنی مالیات جاودانی اسلام تعلق می گیرد. این مالیات ۰/۲/۵ است. اگر در اثنای سال روی این پول، حتی یکبار معامله شود و مثلاً به قرض داده شود دیگر این مالیات بآن تعلق نمی گیرد.

اگر اسکناس در باب زکوة حکم پول طلا و نقره داشته باشد یادر مورد اسکناس احتیاط شود ولی دولت و حکومت اسلامی مشابه همان زکوة را بصورت مالیات برای اسکناسهای را کد بحد نصاب برسد وضع کند خود بخود سرمایه برای ایجاد مؤسسات شخصی یا دسته جمعی یا نیمه دولتی قرض الحسنه زیاد خواهد شد و سرمایه های ملی بجزریان خواهد افتاد پس انداز ملی هم وقتی قرار شد بدون بهره باشد راهی دیگر برای تأمین سرمایه این مؤسسات است.

۲- بانکهای دولتی.

اگر از راه اول نتیجه کافی بدست نیامد باز وظیفه دولت است که از بودجه عمومی بانکهای برای وامهای اصنافی؛ صنعتی، کشاورزی، خانه سازی و کارگشائی تأسیس کند: این بانکها نیز کار مزدی مناسب با هزینه جاری خود می گیرند ولی برای اصل وام بهره ای در کار نیست.

تأسیس بانکهای کشاورزی ، رهنی و کارگشائی ایران در آغاز کار برای همین منظور و بر همین اسلوب بوده ، و قرار نبوده که این بانکها برای دولت سودی داشته باشد ، بانک کارگشائی حتی هزینه جاری اش هم تأمین نمیشد :

متأسفانه در چند سال اخیر بعنوان افزایش سرمایه این بانکها سرمایه‌های خصوصی را ضمیمه سرمایه ملت در این بانکها کردند و در عوض آنها را نیز بصورت مؤسسات ربا خواری درآوردند و دیگر آن خاصیت تعاونی و گره گشائی خود را از دست داده است .

نتیجه

تحریم ربا، به هیچ يك از منافع اجتماعی و اقتصادی ملی بانکها لطمه نمیزند .

بانکداری بصورت صحیح بدون بهره فقط با کار مزد در راه رفاه و سعادت ملتها نه تنها حرام نیست بلکه از واجبات کفائی و از وظائف دولتها است .

آنچه با تحریم ربا تحریم شده بانکداری با بهره و در راه ربا خواری و تأمین منافع سرمایه داران رباخوار و پیدایش طبقه مترف و اسراف کار و عیاش و تجمل پرست است .

و این خود از بزرگترین مزیت‌های قوانین مالی و تجارتي اسلام

است .